

## نقش علمای قم در مبارزه با بهائیت در سده اخیر<sup>۱</sup>

حجت حیدری چراتی<sup>۲</sup>

### چکیده

«بهائیت» از جمله فرقه‌های انحرافی معاصر است که علمای حوزه علمیه قم در یک سده اخیر، نقش محوری در مبارزه با آن داشته‌اند و با تبیین صحیح آموزه‌های دینی تا حدود زیادی از نشر و گسترش آن در جامعه مسلمین جلوگیری کرده‌اند. این جستار به بررسی نقش علمای قم در مبارزه با فرقه انحرافی بهائیت در دوره معاصر پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است.

براساس یافته‌های پژوهش، مبارزه علمای قم با بهائیت در ابعاد مختلف با روش غیر مستقیم و یا مستقیم توانسته است مواضع بهائیان را به خطر انداخته و مانع پیشروی‌های گمراه‌کننده این فرقه در جامعه گردد. بررسی سیر تحولات نشانگر آن است که مواجهه علما در مبارزه یکنواخت نبوده و در سه دوره «احیاء»، «تثبیت» و «رشد» حوزه با تطور همراه بوده است. مبارزه در مرحله احیاء، با استفاده از ابزار فقه و تکیه بر مباحث اعتقادی است و در دوره تثبیت، به مواجهه مستقیم تغییر یافت و به صورت مبارزه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شد. در مرحله رشد و توسعه با تکیه بر مفاهیم سیاسی مذهبی شیعه، مبارزه با بهائیت به لایه‌های عمیق‌تر کشانده شد و از لحاظ کمی و نیز از لحاظ کیفی تغییر یافت و به تخصصی شدن روش مقابله انجامید.

**واژگان کلیدی:** حوزه علمیه قم، احیاء حوزه قم، تثبیت حوزه قم، بهائیت، علمای قم،

فرقه‌های انحرافی

---

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تألیف شده است.  
۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران.

## مقدمه

علمای قم از زمان پیدایش حوزه علمیه تا کنون به فراخور حوادثی که در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی پیش می‌آمد و عموماً روند جریان‌های حاکم بر کشور بود تاثیرگذار بوده و موضع‌گیری‌های مقتضی اتخاذ می‌کردند و در ابعاد گوناگون، از جمله مقابله با فرقه‌های انحرافی نقش داشته‌اند. یکی از فرقه‌های منحرف که با کج فهمی از آموزه‌های تشیع و حمایت استعمارگران و اغراض فرهنگی - سیاسی دیگر در جامعه ایران ظهور کرد «فرقه بهائیت» است؛ فرقه‌ای که همواره از زمان پیدایش آن، علمای قم، بر اساس وظیفه دینی خود که همان هدایت‌گری جامعه و مقابله با جریان‌های انحرافی می‌باشد<sup>۱</sup> به مقابله با آن برخاسته‌اند. بهائیت فرقه‌ای منشعب از آیین بابی است که در سده ۱۳ ق/۱۹ م به دست حسینعلی نوری ملقب به بهاء‌الله، از پیروان سید علی محمد شیرازی، مؤسس بابیه پدید آمد (یزدانی، ۱۹۹۹: ص ۷). بهاء‌الله در سال ۱۸۴۴ دعوت سید علی محمد باب را قبول کرد و به تبلیغ آموزه‌های او پرداخت (همان، ص ۱۱ و اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۱۳۴ بدیع، ص ۸۶). حسین علی نوری در سال ۱۸۵۲ م، برابر با ۱۲۶۸ ق ادعای پیامبری کرد و در سال ۱۸۶۳ م برابر با ۱۲۷۹ ق در باغ نجیبیه بغداد دعوتش را به «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ» و پیامبری آشکار کرد (جورابچی، ۱۳۸۹: ۱۶۷ بدیع، ص ۱۱۱) و بدین طریق با تغییر دعوت از باب به خود، استقلال خود از بابیه را اعلام کرد.

بررسی تحولات گوناگون فرهنگی - علمی صد سال اخیر حوزه علمیه قم، در مواجهه با بهائیت گویای آن است که علمای حوزه علمیه قم در مبارزه با این فرقه، به مقتضای زمان از روش‌های گوناگون استفاده کرده و با تکامل حوزه از مرحله‌ای به مرحله دیگر بر شدت مبارزات خود با بهائیت افزوده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر در تلاش برای پاسخ به این سوالات است: نقش علمای قم در مبارزه بهائیت در صد سال اخیر چیست؟ مبارزه علمای قم با بهائیت چه تحولاتی

۱. «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي بَيْنَ إِبْلِيسَ وَعَقَارِيئِهِ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ وَالتَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الثُّورَ وَالثَّرَىَّ وَ الْمَرْزُوقَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبَّتِنَا وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ» (طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۷).

را پشت سر گذاشته است؟ روش مبارزه علمای حوزه علمیه قم با بهائیت چگونه بوده است؟ عوامل تاثیر گذار بر اتخاذ روش‌های متفاوت در هر دوره کدامند؟

ضرورت انجام این پژوهش از آن جنبه است که پیروان بهائیت در این سده از زوایای مختلف فکری، فرهنگی و مالی مورد حمایت دشمنان اسلام بهره مند بودند و این حمایت‌ها در پاره‌ای از مقاطع از سوی حکومت‌های مدعی شیعه‌گری صورت می‌گرفته‌اند و لذا بهائیت به واسطه آن حمایت‌ها و وظیفه‌ای که برای خود تعریف کرده بود با تمام توان، در پی آسیب رساندن به مبانی اسلامی شیعه برآمده‌اند. از این رو، بررسی نقش علمای حوزه علمیه قم در رویارویی با این فرقه دارای اهمیت است و می‌تواند ما را در شناخت جایگاه علما و شناسایی روش آن‌ها برای پوشش ضعف‌ها و استفاده از قوت‌ها یاری رساند تا با اتخاذ روشی کارآمد در عرصه مقابله با بهائیت از گرایش افراد جامعه به ویژه نسل جوان به سوی بهائیت جلوگیری کرد. بدیهی است که روش مقابله با هر جریان فرهنگی، فکری و سیاسی به شیوه خاصی منحصر نمی‌گردد و لذا از این منظر اتخاذ شیوه‌های مختلف مقابله خصوصاً در بعد نرم افزاری رخ می‌نماید.

آنچه به عنوان فرضیه در پژوهش پیش رو مطرح است:

۱. علمای قم در عرصه مواجهه با بهائیت و شناساندن آثار مخرب آن‌ها در جامعه و نگه داشت آموزه‌های صحیح اسلامی (مهدویت) نقش بسزایی دارند.
۲. علما در هر دوره متناسب با شرایط زمانی در مواجهه با بهائیت از روش‌های مختلف بهره بردند.
۳. حکومت‌ها به عنوان عاملی مستقیم در تغییر سبک مبارزه علما نقش داشتند.

### مراحل مقابله حوزه علمیه قم با بهائیت

بررسی تحولات حوزه علمیه قم، به عنوان نهادی دینی در صد سال اخیر، نشان دهنده نقش محوری و اساسی این نهاد در تاریخ رویدادهای ایران به ویژه در ابعاد دینی، فرهنگی و سیاسی است. با نگاهی به سیر فعالیت این نهاد در یک سده اخیر در مواجهه با بهائیت، می‌توان سه مرحله برای فعالیت‌های گوناگون حوزه در این زمینه ترسیم کرد که این مراحل عبارتند از: مرحله احیا، مرحله تثبیت و مرحله رشد و توسعه که علمای قم در هر مرحله، با در نظر داشتن



شرایط حوزه علمیه قم و مقتضای زمان، با اتخاذ روش‌های مختلف به مبارزه با بهائیت پرداخته‌اند. در ادامه در هر یک از این مراحل، به نحوه مواجهه علمای قم با بهائیت با محوریت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم، مراجع ثلاث و آیت‌الله بروجردی و امام خمینی خواهیم پرداخت.

### ۱. مرحله اول: بازسازی حوزه علمیه قم و مبارزه با بهائیت

در یک بررسی تاریخی از تاسیس و روند حوزه علمیه قم سه سال پایانی پادشاهی قاجار و حکومت پهلوی اول را می‌توان «مرحله بازسازی» حوزه مذکور نامید که این مرحله با ورود آیت‌الله حائری به قم آغاز گردید. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که سبب شد تا آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حوزه قم را بازسازی کند، ظهور جریان‌های روشنفکری در این دوره بود (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹) و بهائیان با ادعای روشنفکری و ارتباط با برخی روشنفکران (ر.ک: عبدالبهاء، ۱۹۳۴: ص ۷-۱۲ و زاهدانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۱) در سال‌های پس از مشروطه، شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را قدم به قدم بر ضد روحانیت سامان می‌دادند (جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۲۷)؛ بهائیان در این زمان با تغییر سیاست در مواجهه با حکومت، خود را به دربار نزدیک و بهائیت را به عنوان مهم‌ترین پرونده امنیتی قاجار از اولویت خارج کردند و برخی از مناصب دولتی را به دست گرفتند؛ مانند بهایی معروف، علی قلی خان نبیل الدوله که به مدت چهار سال کاردار ایران در آمریکا بود<sup>۱</sup> (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ص ۱۲۵-۱۳۰). این رویکرد در ایجاد انگیزه ضد دینی در جامعه ایران نقش بسزایی داشت و در کنار سایر جریان‌های ضد دینی به تبلیغ علیه علمای شیعه می‌پرداختند و روحانیت را عامل تمام مشکلات جامعه معرفی می‌کردند (ر.ک: عبدالبهاء، ۱۹۳۴: ص ۲۰). آیت‌الله حائری نیز با اشرافی که به این روند فرقه بهائیت داشت مقابله فکری و فرهنگی با آنان را در دستور کار حوزه علمیه قم قرار داد.

۱. عواملی که در این تحول نقش داشتند، تغییر رهبری از بهاء‌الله به عبدالبهاء و ناکامی تلاش‌های سیاسی این گروه و روی آوردن به اطاعت از حکومت‌ها و از طرفی، حمایت دولت‌های روس و انگلیس از بهائیان از آن جمله‌اند. پشتیبانی‌ای که از طریق آن توانستند به طور قابل توجهی در سفارتخانه‌های اروپایی و دیگر مکان‌های تحت حمایت آن‌ها مشغول شوند و در مجامع سیاسی ایران حضور یابند (شهسواری، ۱۳۸۷: ص ۴۳).

## ۱-۱. عملکرد آیت الله حائری یزدی در مقابله با بهائیت

آیت الله حائری (۱۲۳۰-۱۳۱۵ش)، شاگردی از مکتب سامرای میرزای شیرازی، با مشاهده مدیریت استادش و با تجربه ذی قیمت خود، گام‌های بلندی در مقابله با جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت برداشت و توانست به گونه‌ای موثر، از نفوذ این فرقه انحرافی در میان افراد جامعه بکاهد. می‌توان عملکرد ایشان را در مقابله با انحرافات، در دو بخش پیگیری کرد: ۱. قبل از بازسازی حوزه علمیه قم در دوره قاجار و احیای حوزه علمیه اراک؛ ۲. پس از احیای حوزه علمیه قم در دو مقطع اواخر قاجار و پهلوی اول.

## ۱-۲-۱. احیای حوزه سلطان آباد اراک (۱۲۹۳-۱۳۰۱ش)

آیت الله حائری بعد از آمدن از عراق به ایران، همان‌طور که در عراق شاهد نفوذ استعمار و اندیشه‌های غربی بود، رشد و گسترش این اندیشه‌ها را با وسعت بیش‌تری در ایران مشاهده کرد که استعمارگران وجه همت خود را تبلیغ علیه دین و مذهب می‌دانند و از هر وسیله‌ای علیه مذهب و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که سردمدار تفکر اسلام به‌ویژه مذهب تشیع هستند اقدام می‌کنند.

آیت‌الله حائری عامل اصلی جولان فرقه‌ها و جریان‌های مدعی روشنفکری در ایران را نبود و عدم اقدام اساسی یک نهاد منسجم دینی می‌دانست و به‌زعم ایشان چنانچه حوزه علمیه قم از جنبه‌های مختلف، خصوصا در ابعاد سیاسی و علمی تقویت شود می‌تواند اهرمی اساسی در مقابله با جریان‌های روشنفکری به‌ویژه بهائیت تلقی گردد. بنابراین، زمانی که استادش، میرزای شیرازی او را به عتبات فراخوانده، در پاسخ به او نوشت:

ایران را با سرعت به سوی فساد و تباهی می‌برند، شما به ایران بیاید تا با تشکیل حوزه علمیه‌ای قوی، در حرکت سریع فساد و تباهی، وقفه‌ای ایجاد کنید (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹).

این جواب آیت الله حاج شیخ عبد‌الکریم گویای سه نکته اساسی است:

الف) فساد و تباهی که از سوی جریان‌های روشنفکری به‌ویژه بهائیت دامن زده می‌شد و آیت الله حائری این خطر را به خوبی احساس می‌کرد؛



ب) نقشی که حوزه علمیه می‌تواند در مقابله فکری و فرهنگی با جریان‌ها و فرقه‌های مذکور داشته باشد؛

ج) وظیفه‌ای که در زمینه مقابله با این جریان‌ها و فرقه‌ها بر دوش عالمان دینی است، به‌ویژه مقابله‌ای تشکیلاتی در قالب حوزه علمیه.

بر این اساس ایشان از همان زمان آغاز بازگشت به ایران: ۱. شناساندن دین به مردم و مقابله با انحرافات را در دستور کار خود قرار داد؛ ۲. با احیای حوزه سلطان آباد اراک آن را رونق بخشید؛ ۳. شاگردانی پرورش داد که در جهت حفظ اسلام و مبارزه با انحرافات گام‌های موثر برداشتند.<sup>۱</sup> در همین زمینه رشد مکتب‌های انحرافی و وضعیت نامطلوب حوزه قم، علمای آن را وادار کرد تا از آیت الله حائری که مدیریت موفق در اداره حوزه اراک به نمایش گذاشته بود، برای احیای حوزه قم دعوت کنند (انصاری قمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۵۱).

### ۱-۲-۲. احیای حوزه علمیه قم (۱۳۰۱-۱۳۱۵ ش)

آیت الله حائری یزدی در سال (۱۳۰۱ ش) در سه سال پایانی حکومت قاجار، بنا به دعوت علما، به قم آمد<sup>۲</sup> و با برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد ساختار منظم به دو اقدام اساسی مبادرت ورزید: از یک سو به ترویج مکتب تشیع پرداخت و از سوی دیگر با جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت مقابله کرد. بدیهی است که این دو اقدام مکمل یکدیگرند و می‌توانند در مقابله با جریان‌ها و فرقه‌های استعمارگرانه سهمی منحصر به فرد داشته باشد و لذا آن مرجع دینی با احیای حوزه علمیه قم، به ایجاد نهادی منسجم جامه عمل پوشاند و به دلیل جایگاه بالا و تلاش‌های خالصانه ایشان، حوزه علمیه در قالب یک نهاد مستحکم دینی، حیاتی تازه یافت؛ به

۱. افرادی همچون امام خمینی که نقش ویژه در مبارزه با بهائیت داشتند، از جمله شاگردان حاج شیخ در حوزه سلطان آباد اراک بودند که همراه شیخ به قم مهاجرت کردند. آیت الله سیدمحمد تقی خوانساری، آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی نیز از جمله شاگردان حاج شیخ بودند که از اراک به قم آمدند (استادی، ۱۳۷۵: ص ۵۳-۶۴) و در مبارزه با بهائیت نقش آفرین بودند.

۲. به دعوت علمای بزرگ قم، از جمله آیت الله مهدی پایین شهری، آیت الله فیض، آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، آیت الله بافقی و... به قم آمدند (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۱۴).

طوری که اقدامات همه جانبه و تشکیلاتی ایشان می‌توانست اعتراف حتی دشمنان را در جامعیت اقدامات مذکور در پی داشته باشد. یکی از نویسندگان بزرگ بهایی، اشراق خاوری که از نزدیک شاهد مدیریت ایشان بوده، به جایگاه مدیریتی و اخلاص ایشان اعتراف کرده است و می‌نویسد:

شیخ عبدالکریم ... اهل دغل و ریا نبود، بساطی که پهن کرده بود، از روی صفا و صمیمت اداره می‌کرد. برای خودش چیزی قائل نبود. هر سال شاید چند میلیون پول برایش می‌آمد، همه را به طلاب و فقرا می‌داد (اشراق خاوری، بی‌تا: ص ۲۳۴ و همان، ۲۰۰۹: ص ۸۳).

حاج شیخ در قامت زعیم حوزه، با توجه به دغدغه اصلی خود که پاسداری از اسلام و مقابله با جریان‌ها و فرق انحرافی بود، توانست با سازماندهی فعالیت‌های حوزه به عنوان نهادی دینی و جهت دهی افکار عمومی مانع نفوذ بیش‌تر جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت در جامعه شود و از سرعت رشد آن در میان آحاد مردم بکاهد. در مجموع می‌توان گفت آیت‌الله حائری با آگاهی از برنامه بلند مدت استعمارگران و وضعیت فکری ایران در اواخر قاجار، به احیای حوزه علیمه اراک و قم اقدام کرد.

### ۱-۲-۳. مبارزه آیت‌الله حائری در دوره پهلوی اول با بهائیت

هنوز سه سال از احیای حوزه سپری نشده بود که با روی کار آمدن رضا خان، دور جدیدی از چالش‌ها در مقابله با بهائیت برای علمای قم ایجاد شد. از طرفی رضا خان با اعمال خود، علما را در تنگنا قرار داد و سوی دیگر به دلیل تعامل نزدیک وی با بهائیان، زمینه را برای حضور بهائیان در اجتماع فراهم کرد.

دلیل نزدیک شدن رضاخان به بهائیان، براساس اسناد موجود، آن است که پیروان این فرقه، به عنوان عمال استعمار در به حکومت رسیدن رضا خان نقش اساسی داشتند. برخی اسناد موجود حکایت از آن دارد که محفل بهائیت در ایران، از مدت‌ها قبل توسط حبیب‌الله عین‌الملک (پدر عباس هویدا)، رضا خان را کشف و به جاسوس بریتانیا (سر اردشیر ریپورتر) معرفی کرد و رضاخان نیز در مقابل، وعده‌هایی درباره میدان دادن به این فرقه تعهد کرده بود



(حقیقت جو، ۱۳۸۶: ص ۳۴). یونس افروخته، از سران بهایی تهران درباره آزادی بهائیان در این دوره می‌نویسد:

زمان طفولیت (در دوره قاجار) خود را به خاطر آوردم و بلیات آن زمان را از نظر گذرانیدم که به چه اندازه ملاحظه و احتیاط، ... چه رنج‌ها و تعب‌ها... تا این که کلمه‌ای را به گوش همدیگر برسانند... امروز (پهلوی اول) الحمدلله به برکت همت اولیا و تاثیر دم شهدا، حکومت عادلانه استقرار یافت، دوستان متشتت و پربشان جمع می‌شوند و انجمن روحانی تشکیل می‌دهند (شهسواری، ۱۳۷۸: ص ۵۹ و ۶۱ و ر.ک: مازندرانی، بی‌تا: ۱۳۲ بدیع، ج ۹، ص ۶۴).

پیروان بهائیت در این دوره در کنار آزادی اجتماعی که داشتند، توانستند به عرصه سیاسی کشور نیز وارد شوند؛ به گونه‌ای که در دوره رضا خان، کلیه امور مالی و دربار دست دو تن از بهائیان مشهور به نام «شعاع الله علایی» و «نور الدین فتح اعظم» قرار داشت (مجدآبادی، ۱۳۹۶: ص ۳۷ و کشتگر، ۱۳۸۸: ص ۳۵۱ و ۳۵۳).

رضاخان به منظور پیشبرد اهداف استعمار، فضا را برای فعالیت بهائیت ایجاد کرد و در مقابل، مبارزه با علما و ارزش‌های اسلامی را در دستور کار خود قرار داد و به قدری بر علمای حوزه قم سخت گرفت که برخی از بزرگان قم می‌گفتند:

ما انتظار هر حادثه‌ای را داشتیم، فکر می‌کردیم که مثل شوروی یا ترکیه با ما برخورد کنند، شبانه ما را جمع کنند و به دریا بریزند یا در بیابان رها کرده، تیرباران کنند (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۷۰).

این رفتار رضا خان، به این دلیل بود که وی بزرگ‌ترین نماد سنت‌گرایی را در ایران، مذهب شیعه و علمای آن می‌دانست که همانند سدهای بزرگ در برابر اصلاحات رضاخانی و غربی‌سازی جامعه ایران ایستاده بودند. این موضع او پس از ملاقات با آتاتورک که با روشنفکران بهایی ارتباط نزدیک داشت، شدیدتر نیز شده بود (ر.ک: دوانی، ۱۳۷۹: ص ۱۹۴). در چنین فضایی، مدیریت توانمند شیخ عبدالکریم حائری بود که توانست هم به نوعی با حکومت تعامل کند و مانع فروپاشی حوزه علمیه گردد و هم به روش غیر مستقیم با بهائیت مبارزه کند و از شدت آسیب تبلیغات ضد اسلامی آن‌ها در جامعه بکاهد که از جمله آن‌ها می‌توان به دو مورد اشاره





کرد: الف) صدور حکم فقهی؛ ب) فعالیت اجتماعی.

### الف) صدور حکم فقهی

«صدور فتوا»، از جمله روش‌های متدوال در میان علمای شیعه برای مقابله با جریان‌های انحرافی است که آیت الله حائری از آن برای کاهش آثار مخرب بهائیت بر جامعه مسلمین استفاده کرد. به طور کلی احکام صادر شده از سوی ایشان در مورد بهائیت را می‌توان در دو دسته «اعتقادی» و «اجتماعی» دسته‌بندی کرد:

#### ۱. حکم اعتقادی

آیا طایفه بهائی جزء کفارند یا خیر؟ ایشان در این زمینه فرمودند:

کافر کسی است که انکار کند خدا یا پیغمبر یا ضرورتی از ضروریات اسلام...؛ یا اعتقادش این باشد که شریعت پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله نسخ شده است. پس از تحقق یکی از این امور، محکوم به کفر و احکام کفر بر آن‌ها جاری است (عابدی، ۱۳۹۱: ص ۴۳).

ایشان با تبیین دقیق از مسئله، با تعیین الگو و معیار مشخص برای ایمان و کفر، با دیدی واکاوانه به یکی از آموزه‌های بهائیت، یعنی ادعای نسخ اسلام (عدم خاتمیت) پرداخته و بدون ذکر نامی از این فرقه به دلیل حمایت حکومت از آن‌ها از ایجاد تنش میان افراد جامعه و نیز از زاویه بیش‌تر حکومت و حوزه علمیه و تنش در جامعه جلوگیری و همچنین مردم را از فریب بهائیت که خود را موعود اسلام معرفی می‌کردند، آگاه کردند.

#### ۲. حکم اجتماعی

آیا جایز است بر مسلم گرفتن عیال از طایفه بهائیه، در صورتی که به عقد و نکاح اسلامی عقد شود یا خیر؟ در صورتی که عیال مذکور [مسلمان] به عقیده سابق خود باقی باشد و عالم در احکام بهائی باشد، پاک است یا نجس؟ ایشان در جواب فرمودند:

مسلمان نمی‌تواند کافر را بگیرد، مگر در بعضی از کفار، آن هم به نحو انقطاع نه دوام، و اما زنی که عقیده‌اش عقیده اسلامی است، تزویج آن جایز است، هر چند احکام غیر اسلامی بداند (همان، ص ۳۷۳).



این استفتا نشان دهنده فعالیت جدی علمای قم در عرصه مبارزه با بهائیت است، تا حدی که برای برخی افراد جامعه این سوال مطرح بوده است که اگر زنی حتی احکام و تعالیم بهائیت را بداند، نیاید با او ازدواج کرد. لذا از شیخ در این زمینه برای رفع شبهه سوال شده است.

### ب) فعالیت اجتماعی: اعزام مبلغ

توجه آیت الله موسس در مقابله با نفوذ فرقه بهائیت تنها به قم منحصر نبود، بلکه یکی از وظایف این نهاد دینی حوزه را پاسخگویی به نیازهای فکری و عقیدتی مردم دیگر شهرها در برابر شبهات بهائیت می دانست که مردم این شهرها، به دلیل حضور کم تر روحانیت در میان آن ها در معرض آسیب بهائیت بودند. به همین دلیل، طلاب دارای استعداد تبلیغی را به صورت هدفمند به دیگر نقاط اعزام می کرد. آقای بهاء الدینی در این زمینه می فرماید:

حاج شیخ، به استعداد یابی طلاب می پرداخت هر که را مناسب فعالیت علمی می دید، تشویق به ماندن در حوزه می کرد و هر کس را مناسب کار علمی نمی دید، او را تشویق به تبلیغ می نمود (مجله حوزه، ۱۳۶۵: شماره ۱۶، ص ۳۷).

البته گاهی به دلیل حساسیت موضوع و اهمیت آن و تبلیغات وسیع بهائیت، برخی از شاگردان برجسته خود را برای مقابله با بهائیت اعزام کرد. برای مثال، آقای انواری از شاگردان برجسته شیخ، به درخواست مردم و به امر حاج شیخ به روستای امزاجرد همدان رفت و در آن جا با ارشاد و تبلیغات خود به مقابله با فرقه انحرافی بهائیت پرداخت. نتیجه حضور ایشان در آن منطقه جلوگیری از انحراف مسلمین و هدایت گروهی از افراد بود که تحت تاثیر تبلیغات بهائیان قرار گرفته بودند. ایشان علاوه بر تبلیغ در مدت زمان اقامت خود در آن جا کتابی در رد بابت و بهائیت تالیف کرد (شریف راضی، ۱۳۳۲: ج ۲، ص ۳۸۱).

حاج شیخ پس از عمری مجاهدت در راه حفظ اسلام و احیای ارزش های اسلامی و مبارزه با جریان های انحرافی و با اقداماتی مانند ایجاد نظام منسجم آموزشی، تنظیم دروس حوزوی، نظام شهریه، جذب استادان قوی و گزینش طلاب مستعد، به حوزه علمی قم، شخصیت حقوقی خاصی بخشید تا حوزه مذکور بتواند پس از ایشان به مسیر خود ادامه دهد (عفتی، ۱۳۹۱: ص ۸۷). آن مرجع بزرگ، در فرودین سال ۱۳۱۵ خورشیدی چشم از جهان فروبست و



زعامت حوزه به سه تن از مراجع عظام سپرده شد.

### ۲-۱. عملکرد مراجع ثلاث در مواجهه با بهائیت

در پنج سال پایانی حکومت رضاخان و با رحلت آیت‌الله حائری، سرپرستی حوزه علمیه قم به سه تن از آیات عظام، یعنی سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سیدصدرالدین صدر و سید محمدتقی خوانساری سپرده شد. مراجع ثلاث که در زمان آیت‌الله حائری در اداره نهاد حوزه کمک‌کار ایشان بودند، بعد از رحلت شیخ با توجه به کسب تجربه از مدیریت او، به اداره حوزه پرداختند (ر.ک: قلی‌زاده: ۱۳۸۹).

### ۱-۲-۱. روش آیت‌الله حجت در مواجهه با بهائیت

آیت‌الله حجت، به عنوان بزرگ‌ترین مدرس و روحانی حوزه قم، در دفع شر فرقه‌های منحرف و جلوگیری از گسترش آنان، روش مسالمت‌آمیز و منفی و درعین حال موثر و کارآمدی داشت. او راه دفع آن‌ها را در ایجاد تنش و برخورد سخت نمی‌دانست و بر این باور بود که هیاهو کردن در مورد فرقه‌ها، خود نوعی مطرح کردن آن‌ها و نقض غرض است؛ به علاوه پیامدهای جانبی دیگری دارد که ممکن است به ضرر مسلمانان تمام شود و جامعه مسلمانان را نا امن کند. بنابراین، زمانی که یکی از شاگردانشان از درگیری بین مسلمانان قم و بهائیان خبر داد، ایشان گفتند:

راه دفع چند نفر بهایی و دورساختن آن‌ها از اجتماع مسلمین و طریق امریه معروف و نهی از منکر در این گونه موارد منحصر در آن نیست که ما بیاییم هیاهو به پا کنیم و دست به آشوب بزنیم.... شما بروید با صاحبخانه صحبت کنید تا قرارداد اجاره خانه اش را با بهائی‌ها به هم بزنند و به مسلمانان اجاره دهد، بدین‌گونه فتنه تمام می‌شود... اما مواظب باشید کسی در بیرون، از این موضوع اطلاع نیابد (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۲، ص ۱۰۵).

آیت‌الله حجت برخورد با پیروان فرقه‌ها و ایجاد تنش در جامعه را قبول نداشت؛ ولی به دلیل آن‌که تعالیم اسلامی را در نهایت استواری می‌دانست و تعالیم فرقه‌ها، از جمله بهائیت را در نهایت سستی و پوچی می‌دید؛ در نشر کتاب‌های فرقه‌های ضاله در جامعه سخت‌گیری نداشت



و براین باور بود که این کار موجب می‌شود تا مردم در برخورد عقاید و آرا نیک و بد را از هم تمیز دهند، آن‌گاه حقایق دیانت پاک اسلام روشن‌تر و آشکارتر می‌شود (مدرسی، ۱۳۵۱: ص ۶).

### ۱-۲-۲. عملکرد آیت الله خوانساری در مقابله بهائیت

آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری (۱۳۷۱-۱۲۶۷ق)، عالم ربانی و مجاهد شیعه برای مبارزه علیه کشف حجاب، که نقش بهائیان و تعالیم بهائیت در آن هویدا بود<sup>۱</sup> با آیت الله حاج آقا حسین قمی همگام شد. او در آن جو پراختناق حاکم بر فضای جامعه که بیش‌تر علما با احتیاط و نرمش مواضع خود را ابراز می‌کردند، به صراحت با دادن فتوایی روشنگرانه همه را به ایستادگی دعوت کرد و نهی از این منکر اجتماعی را وظیفه تمام مردم دانست و بدین طریق افراد جامعه را از گام نهادن در مسیری همسو با اهداف بهائیان حفظ کرد (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۱۵).

اقامه نماز باران در سال ۱۳۲۰ شمسی، موضوعی بود که سبب شهرت و محبوبیت بیش‌تر آیت‌الله خوانساری شد؛ اما این حادثه حواشی و پشت‌پرده‌هایی داشته که در تاریخ کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و آن نقش بهائیت برای جلوگیری از اقامه نماز باران بود. بهائیان به نیروهای متفکین که در خاک فرج پادگان داشتند، چنین القا کردند که عده‌ای از اهالی قم قصد دارند چاه آبی را که در اختیار شماسست، تصاحب و حمله سختی به شما کنند و شما را از بین ببرند (همان، ص ۱۴۸)؛ اما اقامه نماز توسط آیت‌الله خوانساری موجب شد که نام حوزه علمیه قم و قدرت معنوی روحانیت در جهان نمایان شود و توطئه بهائیت برای مخدوش کردن آثار معنوی و علمی حوزه علمیه (به عنوان خطری جدی برای کم‌رنگ شدن فعالیت‌های بهائیان) خنثا گردد. این واقعه توسط مقامات رسمی لندن و آمریکا به وسیله رادیو پخش گردید و حقانیت دین اسلام و اثر حوزه قم و علمای آن بر جهانیان آشکار گشت (همان، ص ۱۴۹ و ر.ک: قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۳۶-۳۷).

۱. قانون کشف حجاب همسو با سیاست‌های بهائیت بود و بهائیان در اجرای این عمل ضد دینی نقشی آشکار داشتند. پیروان این فرقه انحرافی، همزمان با اجرای این قانون از تبلیغات رسانه‌ای و دیگر پست‌هایی که در اختیار داشتند، استفاده کردند و به عادی سازی بی‌حجابی در جامعه مشغول بودند (ر.ک: الهیاری، ۱۳۸۹: ص ۵۹، ۶۳ و ۶۶).

### ۱-۲-۳. مقابله آیت الله صدر با بهائیت

آیت الله سید محمدعلی بن اسماعیل صدر مشهور به «سید صدرالدین صدر» (۱۲۹۹-۱۳۷۳ق) از مراجع تقلید شیعه بود که با دو روش «ایجابی» و «سلبی» به مبارزه با بهائیت پرداخت.

### روش ایجابی

ایشان در گام نخست، با توجه به تحریف آموزه مهدویت از سوی بهائیان و معرفی باب و بهاء به عنوان موعود اسلام (ر.ک: فروتن، ۱۳۴۴: ص ۶)؛ کتابی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تالیف کرد و به موضوعاتی مانند اسما و القاب حضرت، معرفی نسب ایشان که تا آن زمان کتابی در این زمینه با این نظم و ترتیب خاص، نگاشته نشده بود (ر.ک: صدر، ۱۳۹۹: ص ۲۳). این تالیف می توانست پایه های اعتقادی افراد جامعه را تقویت کند و مانع نفوذ تبلیغات بهائیان شود و از اثری جدی و گسترش فرقه منحرف بهائیت که به شبهه افکنی درباره موعود اسلام دامن می زند، جلوگیری کند.

### روش سلبی

آیت الله صدر در گام بعدی، به منظور جلوگیری از اقدامات مخرب بهائیان و آسیب به مسلمین با اتخاذ روش محافظه کارانه و مسالمت آمیز از دولت خواستار کنترل رفتارهای خشونت آمیز بهائیان بر علیه مسلمانان شده نوشتند:

مکاتیب متعدده رسیده که فرقه ضاله مظه بهائی به مساعدت پاره ای از وابستگان دولت، مسلمانان را اذیت می نمایند و شاید در نتیجه مفسده ای رخ دهد که اسباب زحمت دولت شود. مستدعی است که فورا جلوگیری شود و دست خیانتکار قطع گردد (خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران،

<https://iranbahai-persecution.bic.org/fa/archive/namh-az-sdraldyn-sdr-kh-dr-shah-znd-arak-bhayyha-bh-msadt-mamwryn-dwlt-mslmanan-ra-adywt>.

در مجموع، آنچه با بررسی دوره احیا به دست می آید، این است که آیت الله حائری و مراجع



ثلاث که ادامه دهنده راه ایشان بودند؛ با احیای حوزه قم، مبارزه با جریان‌های مقابل اسلام، از جمله بهائیت را به یکی از دغدغه‌های حوزه قم تبدیل کردند و به آن، حرکتی مستمر و روبه جلو بخشیدند و با توجه به نشر افکار حاج شیخ که خواهان تلفیق امور فقهی با امور کاربردی جامعه بود، با انسجام بخشی به نهاد روحانیت و احیای مرجعیت در ایران، زمینه را برای مبارزات عمیق‌تر و جدی‌تر آیت الله بروجردی فراهم کردند.

### ۳. مرحله دوم: تثبیت حوزه علمیه قم

در این مرحله، با ورود آیت الله بروجردی و تغییر شاه و سیاست‌های او، مقابله با بهائیت، به‌رغم نفوذ بیش از حد بهائیان در دربار پهلوی، وارد مرحله‌ای قوی‌تر و علنی‌تر شد و به همت آیت الله بروجردی به تثبیت رسید؛ به گونه‌ای که حکومت دیگر نمی‌توانست به راحتی آن را به تعطیلی بکشانند و یا اعتبار آن را در اذهان مردم مخدوش کند. بنابراین، علمای حوزه قم توانستند با تربیت شماری از شاگردان، دامنه نفوذ حوزه را با تکیه بر مفاهیم سیاسی - مذهبی شیعه در جامعه ایران گسترش دهند. در این مقطع، مبارزات اعتقادی و عملی علمای قم در بستر امور اجتماعی و در راستای آسیب‌های جامعه جریان یافت.

### ۳-۱. مقابله آیت الله بروجردی با بهائیت

سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ش)، از مراجع تقلید شیعه، هفده سال زعیم حوزه علمیه قم بود. او در سال ۱۳۲۳ شمسی به دعوت علما به منظور ایجاد مدیریت واحد و سرعت بخشیدن به حرکت اهداف بلند مدتی که آیت الله حائری برای نهاد حوزه در نظر گرفته بود، به قم آمد. یکی از دغدغه‌های ایشان قبل از ورود به قم، یعنی زمانی که در بروجرد حضور داشت، مقابله با بهائیت بود (ر.ک: دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۱۱۰). پس زعامت حوزه، با استفاده از ظرفیت حوزه علمیه قم مبارزه‌ای همه جانبه علیه بهائیت شکل داد و به چند روش به مقابله با انحرافات بهائیت پرداخت.

### ۳-۲. مبارزه فکری فرهنگی

بنیاد هویتی و رفتاری هر ملتی، به فرهنگ آن ملت وابسته است و تداوم و حیات هر کشوری

نیز در گرو وجود و اصالت فرهنگی اوست (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۱۲، و ر.ک: کوئن، ۱۳۷۲: ص ۵۶-۶۲) و واضح است کشوری که اصالت‌های فرهنگی آن بر اسلام بنا شده بود، تغییر سریع در آن امکان نداشت. از این رو، بهائیان با برنامه‌های تعیین شده، نفوذ در مراکز حساس فرهنگی کشور را در دستور کار قرار دادند. برای نمونه یوسف اطلس در مرداد ۱۳۲۶ در مقاله‌ای پس از ذکر خبر درباره آموزگاران بهایی در لاهیجان و جذب دانش‌آموزان دختر به مسلک بهایی می‌نویسد:

بنده می‌گویم باز جای شکرش باقی است که در شهری مثل لاهیجان یک چنین آموزگار بهائی مشغول به خرابی است؛ اما بیچاره شهرستان تاریخی و اسلامی اصفهان که وقتی کانون علما و مجتهدین سترگ و اساتید بزرگ دین بوده و فعلاً شاید مدرسه دخترانه در آن نباشد که لا اقل یکی دو آموزگار بهائی در آن مشغول به مقصود نباشند و اگر احیاناً دبستانی هم فاقد چنین آموزگاران پیدا شود در حکم النادر کالمعدوم است (توکل‌ی‌طرقی، ۱۳۸۰: ص ۳۱ به نقل از دنیای اطلس پرور شماره ۱۳۲۶، ص ۱-۲).

بنابراین، آیت‌الله بروجردی، با آگاهی از ضرورت کارهای فرهنگی در جامعه، به عنوان یکی از اصلی‌ترین زیر ساخت‌های نرم افزاری در رشد، پیشرفت و تحولات اجتماعی؛ با توجه به وظیفه فرهنگی این نهاد دینی، در سطوح فکری کودکان و نوجوانان و بزرگسالان، به فرهنگ سازی بر اساس باورهای اسلامی اقدام کرد. ایشان برای تبیین آموزه‌های اسلامی در سطح کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۲۵ شمسی، درس تعلیمات دینی را برای مقابله با عقاید بهائیت در میان دروس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها گنجانده (همان). برای مثال در کتاب تعلیمات دینی سال دوم دبستان (۱۳۲۸ هجری شمسی) از صفحه ۱۶-۲۳ به معرفی پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان پس از ایشان پرداخته و نام تک تک ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام مطرح شده است (وزارت فرهنگ، تعلیمات دینی سال دوم دبستان‌ها، ۱۳۲۸ شمسی).

در همین زمینه، به دلیل اهمیت روشنگری در مسائل مهدوی در مقابل نشر اعتقادات بهائیت درباره موعود اسلام، برای مقابله با تبلیغات بهائیان، به آیت‌الله صافی توصیه کردند کتابی مستدل و مستند به روایات عامه و خاصه درباره حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى به رشته تحریر درآورد. لذا مقدمات نگارش کتاب ارزشمند منتخب الاثر از همین جا فراهم شد. و آیت‌الله



صافی خود تصریح کردند که این کتاب در جهت مبارزه با بهائیت تالیف شده است (رجبی، ۱۳۸۸: ص ۶).

### ۳-۲-۱. مبارزه اقتصادی

«اقتصاد» یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیر گذار بر حیات، رشد و پایداری فرقه‌های انحرافی است و اگر فرقه‌ای از لحاظ مالی دچار ضعف شود، دچار انحطاط می‌شود و روبه زوال خواهد گذاشت (ر.ک: تالرسیگتر، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳ و ۱۳۵). بنابراین بهائیان با فرصتی که در حکومت پهلوی دوم برای آن‌ها فراهم شد، به مال اندوزی و تقویت پایه‌های اقتصادی بهائیت پرداختند و بسیاری از عرصه‌های اقتصادی جامعه را تصاحب کردند. نمونه آن، شرکت‌ها و موسسات مالی متعدد حبیب ثابت پاسبان بهایی و هژبر یزدانی است. این شرکت‌ها علاوه بر تقویت مالی بهائیان، توسعه نیروی کار بهائیان را در پی داشتند که این، امکان مناسبی برای جذب افراد به بهائیت به شمار می‌رفت (ر.ک: مجدآبادی، ۱۳۹۶: ص ۳۷ و مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴: ص ۱۲).

آیت‌الله بروجردی در مقابل، برای جلوگیری از رشد بهائیت که بخشی از آن به توان مالی این فرقه بر می‌گشت، با صدور فتوایی هرگونه معاشرت و معامله با بهائیان را حرام اعلام کرد:

لازم است مسلمین نسبت به این فرقه، معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. فقط از مسلمین تقاضا دارم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند (نیک‌پیمان، ۱۳۸۸: ص ۵۳۷).

آیت‌الله بروجردی با استفاده از ابزار فقه توانست از قدرت اقتصادی بهائیان که به اهداف فرقه متمرکز بود، بکاهد و عظمت مرجعیت و پیوند مردم با حوزه و علمای دینی که پس از این فتوا شرکت‌های بهایی را تحریم کردند، به نمایش گذارد و از ظرفیت بالای نهاد حوزه بر تاثیرگذاری بر امور اقتصادی پرده بردارد و بر رشد و توسعه اقتصادی بهائیت ضربه سنگینی وارد کند که یک نمونه آن تحریم پیسی کولا بود که آن را با رکود عجیب مواجه و آن را به یک شرکت ورشکسته تبدیل کرد (ر.ک: همان، ص ۵۴۱).





### ۳-۲-۲. مواجهه سیاسی-اجتماعی

فرقه‌های انحرافی، برای پایایی و پویایی در جامعه، به ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی ناگزیر هستند و هر فرقه‌ای که به صورت فعال وارد این عرصه نشود، دچار انحطاط و زوال خواهد شد (ر.ک: اسحاقیان، ۱۳۹۹: ص ۱۴۵). بهائیت به دلیل آن که یک تشکیلات و حزب سیاسی است و بدون سازمان اداری هویت نمی‌یابد، در دوره محمدرضا شاه در کنار فعالیت‌های سیاسی با توجه به فرصت پیش آمده به نماد سازی در جامعه اقدام کردند. آن‌ها محفلی را در تهران برای امور اداری سازمان بهائیت به نام «حظیرةالقدس» احداث کردند. این اقدامات بهائیان برای حضور فعال در جامعه، پس از آن بود که شوقی افندی، جانشین عباس افندی (عبدالبهاء) طی نقشه ده ساله که آن را «جهاد روحانی» نامید، دستورهای داده بود:

مضاعف کردن کشورهای دارای بهایی، افزایش مشارک الاذکارها، تشکیل شش محکمه بهائی در تهران و...، افزایش حظیرةالقدسها و... (محفل روحانی ملی بهائیان ایران، بی تا: ص ۳).

آیت‌الله بروجردی در مقابل، برای جلوگیری از عادی سازی حضور بهائیان در جامعه ایران اقداماتی را انجام داد:

الف) با حمایت آیت‌الله بروجردی و سخنرانی‌های تبیینی آقای فلسفی و به دستور آقای بروجردی حظیرةالقدس تخریب شد (ر.ک: کوهستانی: ۱۳۹۰) و بالاجبار با تأیید محمدرضا پهلوی، گنبد آن به دست ارتش شاهنشاهی ایران، با نظارت سپهبد نادر باتمانقلیچ تخریب گردید (دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۲۴۶):

ب) مطالبه تصویب قانونی در جهت غیر قانونی اعلام کردن فعالیت پیروان حزب بهایی در ایران (همان، ص ۲۴۴):

ج) مطالبه جلوگیری از ورود افراد این حزب در مناصب حکومتی و اخراج آن‌ها از ادارات دولتی (کوهستانی، ۱۳۹۰: ص ۴۱):

د) تهدید به خروج از شهر در پی تسامح دولت نسبت به فعالیت بهائیان و آسیب‌های مخرب این فرقه که دولت را به عقب نشینی از مواضع خود مجبور کرد (علوی، ۱۳۷۰: ص ۳۲۸):

ه) حمایت از جریان‌های مقابله کننده با تفکر بهائیت: یکی دیگر از فعالیت‌های آیت‌الله



بروجردی حمایت و پشتیبانی از جریان‌ها، گروه‌ها و افرادی بود که به مقابله با تفکر بهائیت می‌پرداختند. یکی از گروه‌هایی که در مبارزه با بهائیت پیش از انقلاب اسلامی موثر عمل کرد، «انجمن خیریه مهدوی» موسوم به «انجمن حجتیه» بود که در سال ۱۳۳۲ شمسی توسط شیخ محمد ذاکرزاده تولایی تاسیس شد و با توجه به سبقه موفق مبارزاتی این گروه با بهائیت، مورد تایید آیت الله بروجردی قرار گرفت (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۴۱).

عملکرد موفق انجمن مذکور در مبارزه با بهائیت سبب شد تا افرادی مانند آیت الله سیدمحمد رضا گلپایگانی، آیت الله مرعشی نجفی (باقی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۲-۲۸۴)؛ همچنین مراجع دیگری مانند آیات عظام میلانی، سید عبدالله شیرازی و بهاء‌الدین محلاتی فعالیت انجمن را مورد تایید قرار دهند و استفاده از سهم امام و نذورات مطلقه را در جهت تقویت انجمن اجازه دادند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۷۳۸). امام نیز از مراجعی بود که در ابتدا از انجمن حمایت کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۲۹۹ و باقی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۸)؛ اما در ادامه با آگاهی از رویکرد ضد سیاسی انجمن، عدم حمایت خود را از این انجمن اعلام کرد و بسیاری از افراد دیگر نیز به سبب همین موضوع، حمایت خود از انجمن را برداشتند و به نوعی انجمن دچار انشعاب از درون گردید (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۶۲۹).

در مجموع می‌توان گفت در این مرحله، با تثبیت جایگاه حوزه علمیه، آیت‌الله بروجردی با استفاده از ظرفیت این نهاد توانست با وجود نفوذ شدید بهائیان در حکومت، در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی به مقابله با بهائیت بپردازد و بهائیان را که در تلاش برای جذب نیرو و عادی سازی حضورشان در جامعه بودند، دچار چالش به عقب نشینی در مواضعشان مجبور کند. آیت‌الله بروجردی با کشاندن مبارزه در امور مبتلابه و مسائل روز عرصه را برای مرحله بعدی فراهم کرد.

### ۳. مرحله رشد و توسعه حوزه علمیه (دوران انقلاب اسلامی)

پس از مرحله احیا توسط آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم و گذر از مرحله تثبیت با مدیریت آیت الله بروجردی، مرحله رشد و توسعه توسط امام محقق شد. مرحله رشد و توسعه «ایجابی» (رشد نهاد حوزه) و «سلبی» (مبارزه با فرقه‌های انحرافی) از لحاظ کمی و کیفی توسعه یافت و روش

خاص خود را پیدا کرد. علمای شیعه توانستند مقابله با بهائیت را به لایه‌های عمیق‌تری بکشانند و مبارزات قابل توجهی علیه بهائیت ترتیب دهند؛ به علاوه با روشنگری‌های خود اکثر افراد جامعه را با خود همراه و با شکست نظام استبدادی شاه، در ابعاد گوناگون بهائیت را به بحران جدی دچار کنند.

### ۳-۱. عملکرد امام خمینی در مواجهه با بهائیت

امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش)، پس از رحلت آیت الله بروجردی، به صورت فعال مبارزه با بهائیت را ادامه داد؛<sup>۱</sup> اما با این تفاوت که امام به مقابله با علت‌های ایجاد و گسترش بهائیت در جامعه پرداخت و توانست با روشنگری‌های خود مانع رشد و نفوذ بهائیت در ایران گردد. با توجه به پیشینه فعالیت‌های امام در مبارزه با بهائیت، می‌توان عملکرد ایشان را در دو بازه زمانی قبل از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی کرد:

### ۳-۱-۱. مقابله امام با بهائیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

بررسی و دقت در مواضع امام خمینی درباره بهائیت قبل از انقلاب، حکایت از آن دارد که امام با معرفی بهائیت به عنوان یک حزب سیاسی در خدمت استعمار، ادبیات جدیدی در مبارزه با بهائیت ایجاد کرد و با روشنگری‌های خود توانست مانع اجرای اهداف استعماری این فرقه در ایران شود. امام خمینی در مواضع متعدد با تأکید بر این موضوع، در سال ۱۳۴۱، پس از تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی که موانع حضور بهائیان در پست‌ها دولتی را برمی‌چید، خطر نفوذ بهائیان در ایران را گوشزد کردند و چنین هشدار داد:

بهائی‌ها يك مذهب نیستند، يك حزب هستند، يك حزبی که در سابق، انگلستان پشتیبانی آن‌ها را می‌کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می‌کند ... این جانب حسب وظیفه شرعیه، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم که قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌ها است که در ایران به حزب بهایی ظاهر شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱).

۱. قابل یادآوری است که امام قبل از رحلت آقای بروجردی نیز نقش ویژه‌ای در مبارزه با بهائیت داشت و در حکم بازوی آیت‌الله بروجردی در مبارزه با بهائیت بود (لاجوردی، ۱۳۸۰: ص ۵۶-۵۷).



رژیم پهلوی با اجرا و تصویب لایحه، به دنبال این بود تا با حذف شرط اسلام از شرایط قضات و نمایندگان که از برنامه‌های استعماری بود، موانع قانونی حضور بهائیان و غیر مسلمانان را در پست‌های حساس کشور بر طرف کند. بنابراین، بهائیان بدون هیچ منع قانونی می‌توانستند بر پست‌های حساس کشور نفوذ کنند و مسلک آن‌ها در کنار دین اسلام در جامعه رسمیت یابد؛ اما با موضع‌گیری‌های امام، و روحانیت این توطئه بهائیان برای رسمیت یابی در کشور ناکام ماند.

همچنین امام خمینی، در سخنرانی ۱۳ خرداد ۴۲ که به دستگیری ایشان و نقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی منجر گردید و قیام پانزدهم خرداد ماه حاصل آن بود (عیوضی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۶)، با صراحت، محمدرضا پهلوی را مورد خطاب قرار داد و از اهداف بهائیت که ایجاد تنش بین حکومت و مرجعیت بود پرده برداشت:

اسرائیل مملکت را به باد می‌برد، ... یک حقایقی در کار است، شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهائی‌ها مراجعه کنید، در آن جا می‌نویسد: تساوی حقوق زن و مرد رأی عبدالبهاء، آقایان هم از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه نفهمیده می‌رود [در سخنانش آن را تکرار می‌کند] می‌گوید: تساوی حقوق زن و مرد. آقا! این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است... (همان، ص ۲۴۷).

امام بار دیگر، سکوت مردم، علما و حوزه‌های علمیه را سکوتی مرگبار خواند و آن‌ها را به مقابله با بهائیت دعوت کرد:

وای بر این مملکت! ... وای بر این دنیا! وای بر ما وای! بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت! وای بر قم ساکت!... این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل به دست همین بهایی‌ها، این مملکت، این نوامیس ما، پایمال شود... (همان، ص ۲۱۳).

امام در مبارزه با بهائیت، با افشای چهره استعماری و جاسوسی این فرقه و همین‌طور اهداف ضد اسلامی آن‌ها با زنجیره‌ای از هویت‌های همسو، مانند عمال استعمار، یهودیان و اسرائیل توانستند، مردم را به خوبی به صحنه مبارزه با بهائیت آورد که نمونه آن قیام ۱۵ خرداد است که به گزارش برخی اسناد، علاوه بر اماکن مشروب فروشی که به یهودیان متعلق بود، منازل و

دکان‌های متعلق به بهائیان مورد هجوم مردم قرار گرفت (زاهدانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۸).

### ۳-۱-۲. مقابله امام با بهائیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در بهمن سال ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. امام بر اساس چند دهه حضور در حوزه قم و تجربه مقابله با بهائیت، به مبارزه با ریشه نفوذ بهائیت در ایران اقدام و با شکست حکومت استبدادی و دست نشانده پهلوی، طبق اسناد موجود شدیدترین ضربه را به بهائیت در ایران وارد کرد. در گزارش سفارت امریکا به وزارت امور خارجه آن کشور در ژوئن ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۸ ش) آمده است:

یکی از نه نفر مردان متفکر جامعه بهائیت (روسای محفل بهائیان) گفت که جامعه بهائی احساس می‌کند از جهات اداری، اجتماعی و مالی در حال مرگ است و با بدترین بحران در تاریخ ۱۲۸ ساله‌اش مواجه شده است (الهیاری، همان، ص ۸۸).

پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین ضربه بر پیکره بهائیت بود و موجب شد این فرقه به یکباره تمام پشتوانه سابق خود در ایران را از دست بدهد. از این رو، بهائیان در چنین اوضاعی تلاش کردند با استفاده از اهرم برخی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی خود را از این بحران‌رهایی بخشند. برای نمونه می‌توان به حمایت ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، از بهائیان جاسوس در زندان اشاره کرد که اما خمینی در پاسخ حمایت آمریکا از آن‌ها فرمودند:

نمی‌دانم این که در بعضی رادیوها پخش کردند صحبت رئیس‌جمهور آمریکا را ملاحظه کردید؟ که ایشان از همه دنیا استمداد کردند برای این که این بهایی‌هایی که در ایران هستند و مظلومند و جاسوس هم نیستند و به جز مراسم مذهبی به کار دیگر اشتغال ندارند... اگر این‌ها جاسوس نیستند شما صدایتان در نمی‌آید... بهائی‌ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، یک حزبی که در سابق انگلستان پشتیبانی آن‌ها را می‌کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۷، ص ۴۵۹).

امام خمینی که بر حزب و جاسوس بودن فرقه بهائی تاکید مکرر داشت، ویژگی‌های منفی دیگری نیز برای این فرقه بر می‌شمرد: ضدیت و عناد دیرینه با اسلام و مسلمانان، توطئه‌گری مستمر علیه اسلام و مسلمانان، و توطئه مداوم برای کسب قدرت سیاسی و به دست گرفتن حکومت (همان، ج ۱، ص ۱۰۴)؛ نفوذ در میان مراکز و محافل و جریان‌های سیاسی و اجتماعی به



منظور منحرف کردن و یا به دست گرفتن عنان این جریان‌ها و مراکز (همان، ص ۱۱۰) و تحریک رژیم شاه برای مبارزه با اسلام و مسلمانان (همان، ص ۲۴۷). بنابراین، امام علاوه بر تکمیل اقدامات آیات عظام، حائری، مراجع ثلاث و بروجردی، در مبارزه‌ای همه‌جانبه تومار تشکیلات استعماری بهائیت در ایران را در هم پیچید و مقابله نهاد حوزه با بهائیت را وارد مرحله جدید کرد.

### ۲-۳. ساختارحوزه علمیه در مواجهه با بهائیت پس از انقلاب اسلامی

فرقه ضاله بهائیت پس از مرگ شوقی افندی در سال (۱۳۶۶ش) روند سازمانی به خود گرفت و با ایجاد «بیت العدل» و محفل محلی و ملی دارای تشکیلات و سازمان اداری شد (رائین، بی تا: ص ۴۵-۶۶). بنابراین، علمای قم با فرصتی که پس از انقلاب برایشان مهیا شد علاوه بر مبارزات فردی، با ایجاد سازمان‌ها و مراکز حوزوی به مقابله با احیای دوباره بهائیت مبادرت ورزیدند.

#### ها و مراکز حوزوی

برخی از سازمان‌ها و مراکز حوزوی که به مبارزه با بهائیت می‌پردازند، عبارتند از: الف) «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، که نهادی است تبلیغی، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در حوزه علمیه قم و یکی از اولویت‌های آن مقابله با جریان‌های انحرافی و ارتقای اثربخشی فعالیت‌های بخش تبلیغی است. برگزاری همایش بین‌المللی «۲۰۰ سال خشونت، خرافه و خیانت فرقه‌ای»، از جمله اقدامات اداری و سازمانی در مبارزه با بهائیت است (سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم)<sup>۱</sup>

ب) «مرکز تخصصی مهدویت» که با همکاری برخی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی موافقت مقام معظم رهبری با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به‌ویژه نسل جوان و فرهیخته) در زمینه مباحث مهدویت و به‌عنوان پشتوانه علمی و فرهنگی در قم تأسیس و راه‌اندازی شد و در دو محور آموزشی، پژوهشی و تبلیغی، به مبارزه با بهائیت و دیگر جریان‌های انحرافی می‌پردازد (کرجی و باباجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۹). برای نمونه برگزاری



1 . <http://www.dte.ir/Portal/home/?generaltext/13242/161388/148244/>

بیش از دویست دوره تربیت مربی مهدویت در کشور<sup>۱</sup> (معاونت تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت)؛ ج) «موسسه آموزش عالی خاتم النبیین»، از دیگر مراکزی است که «مرکز تخصصی فرق و ادیان» را در سال ۱۳۸۸ با هدف تربیت نیروهای کار آمد، به منظور مواجهه با افکار مکاتب و ادیان انحرافی تاسیس کرد. این مرکز دارای اهداف زیر می باشد:

یکم. تربیت استاد و پژوهشگر متعهد در رشته های فرق و ادیان (نقد بهائیت)؛  
دوم. تربیت مبلغ توانمند، به منظور پاسخگویی به نیازهای دینی جامع و نقد بهائیت؛  
سوم. فعالیت علمی و پژوهشی در جهت مواجهه با فرقه های انحرافی، شامل درسنامه نقد بهائیت، تالیف علیرضا روزبهانی و مجله علمی تخصصی کلام ادیان (سایت مرکز تخصصی فرق و ادیان وابسته به موسسه خاتم النبیین، [www.Markazadyan.ir](http://www.Markazadyan.ir)).

### ۳-۲-۲. فعالیت های علمی-پژوهشی در مواجهه با بهائیت

از دیگر دستاوردهای نهاد حوزه در مرحله رشد و توسعه، فعالیت های علمی و پژوهشی این نهاد می باشد که رشد فزاینده ای پس از انقلاب اسلامی به خود گرفته است؛ به طوری که بیش از یکصد پایان نامه، پنجاه مقاله علمی در مجلاتی مانند انتظار موعود، مجله کلام و ادیان، مشرق موعود، مجله هفت آسمان، مجله علمی ترویجی پژوهشنامه موعود ساماندهی شده است.

تفاوت آثار تالیف شده پس از انقلاب، علاوه بر تخصصی شدن مباحث، بر خلاف مراحل پیشین که بیش تر از بعد اعتقادی و کلامی به نقد بهائیت پرداخته بود؛ ابعاد دیگر، مثل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی را در بر گرفت؛ مانند کتاب «جریان شناسی ضد فرهنگ ها» از عبدالحسین خسرو پناه که در بخشی از کتاب به آسیب های بهائیت پرداخته است. با توجه به تخصصی تر شدن مباحث نیاز به نقد عالمانه و دقیق این فرقه ضاله درسنامه ها و مقالات علمی متعددی تالیف شد که می توان به «درسنامه فرقه های انحرافی (شیخیه، بابیه و بهائیت)»، نوشته گروهی از پژوهشگران حوزه علمیه قم اشاره کرد.

۱. از جمله موضوعات این دوره ها نقد فرقه ضاله بهائیت می باشد.



## نتیجه‌گیری

آنچه این مقاله بدان دست یافت، عبارت است از این‌که علمای قم در مبارزه با بهائیت توانستند به فراخور اوضاع زمانی، این فرقه را در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با چالش جدی مواجه کنند که این رویکرد مبارزه‌ای در سه مرحله احیا، تثبیت و رشد و توسعه حوزه علمیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

۱. دوره احیای حوزه علمیه را می‌توان دوره‌ای نامید که در آن زمان، خصومت شدید علیه فرهنگ اسلامی و دین به ویژه با آغاز حکومت پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) رو به افزایش نهاد و زمینه حضور هر چه بیش‌تر بهائیان در جامعه فراهم گردید. در این دوره، آیت‌الله حائری با احیای حوزه علمیه و انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از نجف به قم، شکل دیگری از مبارزه نهاد دینی را پی‌ریزی کرد و با استفاده از ابزار فقه در ابعاد اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی و تبیین صحیح دین با استفاده از اعزام مبلغان حوزه علمیه قم برای مبارزه با تفکر بهائیت، به مقابله با آن پرداخت. یکی از آثار احیای حوزه علمیه قم بی‌تردید تقویت فرهنگ دینی در جامعه بود که بعدها سبب تفوق اندیشه دینی بر تفکر سکولاریسم شد که بهائیت نیز به تبلیغ تفکر مذکور می‌پرداخت.

مراجع ثلاث (آیت‌الله حجت، محمدتقی خوانساری و سید صدر الدین صدر) به دو روش مستقیم (اعتراض به اقدامات حکومت در میدان دادن به بهائیان و مبارزه با کشف حجاب که به نوعی با تفکرات بهائیان همسو بود) و روش غیر مستقیم (نمونه بارز آن در نماز باران آیت‌الله خوانساری نمود یافت، و با تالیف آثاری در زمینه مهدویت) به مبارزه با بهائیت پرداختند.

۲. در دوره تثبیت حوزه با ورود آیت‌الله بروجردی به عرصه مرجعیت و ورود ایشان به حوزه علمیه قم، فصل جدیدی از مبارزات با تفکر بهائیت شکل گرفت. آیت‌الله بروجردی با تثبیت حوزه علمیه قم به مبارزه با اندیشه بهائیت عمق بخشید:

۱. ایشان در حوزه فکری فرهنگی، با گنجاندن دروس تعلیمات دینی در بین کتاب‌های درسی مدارس و تشوق شاگردان خود به تالیف آثار علمی در زمینه بهائیت و روشنگری در مباحث اعتقادی در سطح عمومی جامعه به مقابله با بهائیت پرداخت؛ ۲. ایشان در حوزه اقتصادی و اجتماعی با تحریم اقتصادی و جلوگیری از نماد سازی بهائیت در جامعه مانع رشد بهائیان



گردید؛ ۳. آیت الله بروجردی علاوه بر مواجهه مستقیم با بهائیت، با حمایت از جریان‌ها و افرادی که در جهت مقابله با بهائیت فعالیت می‌کردند، به طور غیر مستقیم با بهائیت مقابله می‌کرد.

۳. دوره رشد و توسعه حوزه علمیه مرحله دیگر است که با ورود امام خمینی مبارزه با بهائیت ادبیات و روش خاص خود را یافت:

۳-۱. امام توانست با تکیه بر مفاهیم سیاسی مذهبی شیعه و با موضع‌گیری‌های خود مرجعیت سیاسی اجتماعی جامعه را کسب و غالب افراد جامعه را با خود همراه کند. امام با ایجاد هویت‌های همعرض در معرفی بهائیت، همچون حزب سیاسی، جاسوسان استعمار و صهیونیسم در لباس بهائیان؛ ادبیات جدیدی در مبارزه با بهائیت ایجاد کرد و با مبارزه با ریشه‌های نفوذ و گسترش بهائیت در ایران توانست با پیروزی انقلاب اسلامی ضربه سختی بر پیکره بهائیت وارد کند؛ به گونه‌ای که بهائیت به یکباره تمام پشتوانه خود در ایران را از دست داد.

۳-۲. فعالیت حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی دچار دگرگونی و تحول گردید؛ به گونه‌ای که مبارزه با بهائیت بر خلاف دوران قبل از انقلاب، حالت سازمانی و تشکیلاتی به خود گرفت و تبیین صحیح آموزه‌های دینی و هم روشنگری علیه بهائیت با رشد قابل مشاهده‌ای افزایش پیدا کرد و نیروی متخصص در این زمینه تربیت کرد. آثار تالیف شده نیز علاوه بر حالت عمومی و تکیه صرف به حوزه اعتقادی و علاوه بر تخصصی شدن متون؛ رویکرد سیاسی، اجتماعی و تاریخی پیدا کرد.



## منابع

۱. استادی، رضا (۱۳۷۵). *یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی (ره)*، بی جا، نشر انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی.
۲. اسحاقیان درچه، جواد و حیدری چراتی، حجت (بهار ۱۳۹۹). *تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان های مهدویت*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۶۸.
۳. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۴۰۱). *سازمانهای سیاسی بهائیت*، تهران، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۴. اشراق خاوری، عبدالحمید (بی تا). *اقداح الفلاح*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۱ م)، *مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرنندی*، نشر موسسه چاپ و انتشارات مرآت، ایران، بدیع ۱۳۴.
۶. اطلس پرور، یوسف (۱۳۲۶). *مقاله وارده*، دنیای اسلام، شماره ۳۹.
۷. افندی، عباس (عبدالبهاء) (۱۳۲۵). *رساله سیاسیة*، تهران، بی نا.
۸. الهیاری، احمد (۱۳۸۹). *بهائیان در عصر پهلوی ها*، تهران، انتشارات کیهان.
۹. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷). *اختران فقاہت بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سده اخیر*، قم، دلیل ما.
۱۱. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین (موسوم به انجمن حجتیه)*، بی جا، نشر دانش اسلامی.
۱۲. بنیاد فرهنگی نحل (۲۰۰۹ م). *زندگی، آثار و خاطرات اشراق خاوری*، قم، نشر بنیاد فرهنگی نحل.
۱۳. تالرسینگر، مارگارت (۱۳۹۹). *فرقه ها در میان ما*، مترجم: رحیم خدابنده، تهران، نشر ماهریس.
۱۴. توکلی طرقي، محمد (زمستان ۱۳۷۹ - بهار ۱۳۸۰). *بهائی ستیزی و اسلام گرایی در ایران*، مجله ایران نامه، تهران، انتشارات یاران، شماره ۱۵-۲.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۹). *جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران*، تهران، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۶. حقیقت جو، علی (تابستان ۱۳۸۸). *پیوند عمیق و همه جانبه بهائیت با رژیم پهلوی*، تهران، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۰.
۱۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). *جریان شناسی ضد فرهنگ ها*، تهران، نشر دفتر نشر معارف.
۱۸. خوشدل، یزدانی (۱۹۹۹ م). *تاریخ مختصر دیانت بهایی*، استرالیا، نشر Century Press.
۱۹. دوانی، علی (۱۳۷۹). *مفاخر اسلام*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. رائین، اسماعیل (بی تا). *انشعاب در بهائیت*، بی جا، نشر موسسه تحقیقی رائین.
۲۱. رجبی، محمدحسن (تابستان ۱۳۸۸). *آیت الله بروجردی و بهائیان*، تهران، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۰.
۲۲. زاهد زاهدانی و سید سعید، محمدعلی سلامی (۱۳۸۸). *بهائیت در ایران*، تهران، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. شریف رازی، محمد (۱۳۳۲). *آثار الحججه*، قم، نشر کتاب فروشی برقی.
۲۴. شهسواری، ثریا (۱۳۷۸). *اسناد فعالیت بهائیان در دوره بهائیان در دوره محمد رضا شاه*، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. صدر، محمدعلی (صدر الدین) (۱۳۹۹). *المهدی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۲۷. عابدی، احمد (۱۳۹۰). *استفتائات از محضر مرجع عالیقدر و مؤسس حوزه علمیه قم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، انتشارات زائر.
۲۸. عفتی، قدرت الله (۱۳۹۱). *نیم نگاهی به سیر شکل گیری حوزه علمیه قم*، نشریه مبلغان، شماره ۱۵۰.
۲۹. عیسی نژاد، سید محمد (بهمن و اسفند ۱۳۸۳). *شیخ عبدالکریم حائری، حوزه علمیه قم و تولید علم در سده معاصر*، دوره ۲۱، شماره ۱.
۳۰. عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۰). *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران، نشر دفتر نشر معارف.
۳۱. فروتن، علی اکبر (۱۳۴۴). *اسلام و دیانت بهائی*، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری.



۳۲. قدس جورابچی، علاءالدین (۱۶۷ بدیع / ۱۳۸۹ق). **بهاءالله بنیانگذار آئین بهائی**، تهران، نشر شرکت کتاب.
۳۳. قلی‌زاده علیار، مصطفی (۱۳۸۹). **مراجع ثلاث**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. کرجی، علی و باباجانی، علی (تابستان ۱۳۸۷). **آشنایی با پایگاه‌ها و مراکز مهدویت**، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۷۴.
۳۵. کشتگر، همایون (تابستان ۱۳۸۸). **ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان**، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۳.
۳۶. کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۹۰). **روحانیت - بهائیان** (از سخنرانی‌های حجت الاسلام فلسفی تا قصد مهاجرت آیت الله بروجردی از ایران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۷. کوئن، بروس (۱۳۷۲). **مبانی جامعه شناسی**، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
۳۸. لاجوردی، حبیب (۱۳۸۰). **خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی**، تهران، انتشارات کتاب نادر.
۳۹. مازندرانی، فاضل (۱۳۲۲ بدیع). **تاریخ ظهور الحق**، بی‌جا، بی‌نا.
۴۰. مجدآبادی، مجتبی (۱۳۹۶). **نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی به روایت اسناد**، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۱. مجله حوزه (۱۳۶۵). **مصاحبه با حضرت آیت الله حاج آقا رضا بهاء‌الدینی**، دوره سوم، شماره ۱۶.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). **مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین بدلا**، فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر، شماره ۴۳ و ۴۴.
۴۳. محفل روحانی ملی بهائیان ایران (بی‌تا). **توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله**، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری ایران.
۴۴. مدرسی، مرتضی (۱۳۵۱). **شیخی‌گری، بابی‌گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع**، تهران، کتابفروشی فروغی.
۴۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۴). **رجال عصر پهلوی هژبریزدانی به روایت اسناد ساواک**، تهران، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزرات اطلاعات.

۴۶. منظور الاجداد، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). *مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست*، تهران، انتشارات شیرازه.

۴۷. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۶). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۴۸. نیک پیمان، محسن (تابستان ۱۳۸۸). *سرمایه داران «بهائی» در ایران عصر پهلوی*، نشریه تاریخ معاصر ایران، شماره ۵.

۴۹. وزرات فرهنگ (۱۳۲۸). *تعلیمات دینی برای سال دوم دبستان‌ها*، بی‌جا، نشر چاپخانه علی اکبر علمی و شرکاء.

#### سایت‌ها:

۱. خانه اسناد بهایی ستیزی در ایران، نامه از صدر الدین صدر که در شازند اراک بهائی‌ها به مسلمانان اذیت می‌کنند، .....  
<https://iranbahai persecution.bic.org/fa/archive/>

۲. سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، <http://www.dte.ir/Portal/home>

۳. سایت مرکز تخصصی فرق و ادیان وابسته به موسسه خاتم النبیین

[www.Markazadyan.ir](http://www.Markazadyan.ir)

۴. معاونت تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت <http://www.mahdi313.org>

